

خشتروئیری

امشاسپند شهر یور

سومین امشاسپند است از گروه امشاسپندان که در اوستا از آنان بسیار یاد شده است. امشاسپندان در گاتاها چون والاترین صفات اهورا مزدا تجلی میکنند. اما در سایر قسمت‌های اوستا تشخیص یافته چون ملایک مقرب معرفی میشوند. صورت نهائی این تشخیص در نامه‌های پهلوی آشکار میشود که چون وزیران و کار گزاران اهورا مزدا شاسانیده شده اند.

هریک از امشاسپندان در نقشی معنوی و مادی، آسمانی و زمینی ظاهر میشوند. این امشاسپندان در پهلوی خشتریور یا شتریور نامیده شده. ترجمه نامش را کشور برگزیده یا پادشاهی برگزیده پادشاهی مطلوب با قدرت سلطنت و تسلط آورده اند. در اوستا چه بسا که از این ترکیب کشور جاودانی اهورا مزدا و بهشتیترین اراده شده است. نقش معنوی و روحانی شهر یور و در حقیقت بهتر به گویم در نقش صفت سلطنت و سلطه ایزدی و فروشکوه شهر یاری خداوند است اما در جنبه زمینی اش سرپرست و نگهبان فلزات میباشد.

فرهنگ اعلام اوستا.

دریشت‌ها چون دوامشاسپند دیگر (- اردیبهشت و خرداد) یشتی ویژه ندارد اما به احتمال همه امشاسپندان هر یک یشتی ویژه داشته‌اند که از آن میان دو یشت فوق‌الذکر به ما رسیده است. به موجب بند چهارم در دوسی روزه بزرگ و کوچک پشینیان و یاری دهنده بینوایان و درویشان است.

به موجب بیست و هفتمین فصل بند هش گیاره شاسپرغم ویژه این امشاسپند است. دیو سئور که دیو آشوب و فساد میباشد رقیب و ضداوست و ایزدانی چون ایزد مهر ایزد آسمان و ایزد انبران از یاورانش میباشد.

در تقویم مردایی روز چهارم هر ماه شهریور نامیده میشود و مطابق معمول هر گاه نام ماه موافق میشد آن روز را جشن ساخته و شادمانی میکردند .
 بهمین جهت روز چهارم از ماه شهریور جشن شهریورگان خوانده میشود و مزدیسان در این جشن مراسمی داشتند ابوریحان بیرونی در باره این روز و جشن شهریورگان آورده است .
 شهریور ماه - روز چهارم آن شهریور است و این روز عید است و چون باز دو نام با هم توافق کرده آنرا شهریورگان نامند و معنای این لفظ دوستی و آرزوست و شهریور فرشته‌یی است که به جواهر هفت گانه که طلا و نقره و دیگر فلزات که قوام صنعت و دنیا و مردم بدان است موکل است .
 زادویه گفته است که این روز را «آذر جشن» میگویند و این روز برای آتش‌هایی که که در خانه‌های مردم است عید است و این عید در قدیم آغاز زمستان بوده و در این عید آتش‌های بزرگ در خانه‌ها میافروختند و عبادت خداوند و ستایش او را زیاد مینمودند و برای صرف غذا دیگر شادمانی‌ها بر کرده جمع میامدند - و میگویند که این آتش را برای رفع سرما و بیوستی که در زمستان حادث میشود میافروختند و می گفتند انتشار حرارت چیزهایی را که برای نباتات زیان آور باشد دفع میکند خورشید موبد گفته است که آذر جشن روز اول این ماه بود و این عید برای خاصه بوده و از روزهای معروف ایرانیان محسوب میشود و این عید از روزهایی است که مردم طخارستان آنرا معمول میداشتند و این آتش را برای تغییری که در هوا پیدا شده که از زمستان است میافروختند عید را در آغاز پائیز میگیرند و این روز روز مهر است که اول گهنبار پنجم است و آخر آن روز بهرام و در این روز خداوند بهائم را آفرید و نام آن «مدیا یوم گاه» است .

زراتشت بهرام بزرگ در منظومه خود دنبال مباحثی که دوامشاسپند بهمن و اردیبهشت

زرتشت را راهنمایی هایی میکنند درباره شهریور و سفارشش به زرتشت آورده است :

نگه کرد شهریسور امشاسپند به پیش آمدش با دلی پر ز پند

بدو گفت کای پاک پاکبزه رای شب و روز بر آفرین خدای

چو رفتی به زیر از بلند آسمان پیامی بر از من سوی مردمان

به گوئی مرا آنکس که دارد سلاح ز شمشیر و تیروز گر زو رماح

که تا کار او دارد آراسته زدوده همه سال و پیراسته

که جان بداندیش در پیش اوست چو بیند بدردش زانده پوست

چو کسار از سلاحش مهیا بود چو خورشید در رزم پیدا بود

به دشمنت دادن نشاید همی که پس کارت آید بیاید همی

به خالق جهان بازگو این پیام از اول و آخر همه را تمام